

دکتر ابراهیم جعفرپور

از گروه آموزشی جغرافیا

## نگرشی

### در جغرافیای معاصر

امروزه در هدفهای جغرافیائی و اصول آموزش آن، در جهت خدمت به پیشرفتهای انسانی، و روشهای تحقیق و تکنیک و بررسی و تجهیز شعب مختلف آن، تغییرات بسیاری حاصل شده است. این تغییرات بقدری اساسی و عمیق بوده که لزوم شناسائی جدید علم جغرافیا، با دید وسیع و نوین، ضرورت کامل یافته است. زیرا بسبب تکامل ضرورت تاریخی هر علمی تشکیلات و سازندهای این علم نیز تغییر کالی یافته بطوریکه در بسیاری از ممالک پیشرفته چهره امروزی علم جغرافیا حتی با دوران قبل از جنگ جهانی دوم نیز قابل مقایسه نیست. از این جهت برای درک مفاهیم جغرافیای امروزی و اصول و اساس آن بهتر است که بطور خلاصه جغرافیای دوره کلاسیک و بعد از آن را با جغرافیای جدید و امروزی مقایسه کرده و خصوصیات و هدفهای اینرا بررسی کنیم.

#### دوره کلاسیک و بعد از کلاسیک<sup>۱</sup>

در بسیاری از ممالک دنیا ماهیت و اساس علم جغرافیا در سطح دانشگاهی و روشهای تحقیق آن هنوز بیانگر اندیشه‌های دوره کلاسیک (۱۸۵۹-۱۸۰۰) و از بسیاری جهات ادامه آن دوره بعد از کلاسیک (۱۹۴۵-۱۸۵۹) و تصویری ذهنی از یک میراث تاریخی در علم مزبور میباشد. از این رو برای شناخت واقعی

مفهوم علم جغرافیا در این دوره علمی، افکار جغرافیدانان این دو عصر را بطور خلاصه بیان می‌داریم:

مفهوم علم جغرافیا در دوره‌های یاد شده عبارت از: علم تحقیق عناصر متشکله مکانهای مختلف روی زمین بوده است (اصل وابستگی بروی زمین) بدین لحاظ در بررسی مکانهای مختلف (اصل تفریق مکانی)، اطلاعات بدست آمده را براساس کورولوژیک ترتیب داده و ارزش‌گذاری نموده (اصل کورولوژی) و بوجود آورنده خصوصیات مکانهای مختلف و روابط متقابل این خصوصیات (اصل مناسبات ترکیبی متقابل) و پراکندگی عناصر مختلف (اصل پراکندگی) در این مکانها را علم مکانی جغرافیائی تلقی می‌نمودند. با این طرز تلقی جغرافیا در اساس خود بعنوان يك علم فرهنگ<sup>۲</sup> جلوه میکند، معروفترین دانشمندی که آثارش موید این امر است کانت<sup>۳</sup> میباشد که در مقدمه کتاب خود بنام جغرافیای طبیعی که در نیمه دوم قرن هجده منتشر شده و همچنین در طی ۲۴ سال تدریس خود در دانشگاه کونیگسبرگ مسائل مربوط به جغرافیای آنروز را بوضوح تشریح کرده است. در این دوره هدف از جغرافیای طبیعی و تدریس و یادگیری آن تقویت ادراک سالم انسانی بوده است تا جغرافیا بتواند خدمتی در راه هدفهای مترقیانه انسانها داشته باشد. *طالعات فرهنگی*

در حقیقت جغرافیا برای درک بسیاری از برنامه‌های دنیا يك درس مقدمه و اساس شناسائی بشمار می‌رفت. باین ترتیب هدف از تعلیم جغرافیا در دانشگاهها، ارتقاء سطح فرهنگ جغرافیائی و تربیت افراد لازم جهت تدریس در دوره‌های متوسطه بوده است.

با وجود اتفاق نظر در موارد فوق، جغرافیا در دوره کلاسیک و بعد از کلاسیک از لحاظ زمینه و مفهوم مسائل جغرافیائی به دو مکتب متفاوت تقسیم می‌شود. و در نقاط مختلف دنیا نیز جغرافیا با توجه به وابستگی آن یکی از

2- Culture

3- I. Kant

دومکتب فوق، موجودیت و خصوصیات اصلی و هدفهای خود را مشخص نموده است.

اولین مکتبیکه حتی ابتدای آن به قرون قدیم نیز میرسد ولی در دوره کلاسیک و بعد از کلاسیک تبلور خاصی یافته به سرپرستی الکساندر فن همبلت<sup>۴</sup> تاسیس شده است. بر اساس اندیشه‌های مکتب جغرافیائی همبلت با وجود عدم انکار عنصر انسانی، جغرافیا عبارت از یک علم زمینی است. باین ترتیب، در این مکتب، به جغرافیای طبیعی و عوامل وابسته بآن اهمیت زیادی داده شده است.

لازم است یادآوری گردد که در بررسیهای همبلت حوادث انسانی و اثرات آن هیچوقت به دست فراموشی سپرده نشده، در حقیقت بررسیهای پیکر زمین و تحقیقات اراضی بصورت یک روش معین و تحلیلی در مرحله اول و بعنوان اساس کار قرار گرفته و به وسایل اندازه گیریها اهمیت زیادی داده شده و تحلیل جغرافیای ناحیه‌ای بعد از این بررسیهای اصولی و تحلیل‌های مربوطه مورد توجه قرار گرفته است. مهمترین اثر علمی همبلت «کلیات جغرافیای عمومی» و یا «عالم»<sup>۵</sup> میباشد.

در مقابل مکتب دیگری که بنام کارل ریتز<sup>۶</sup> (پدر جغرافیای انسانی ۱۸۵۹-۱۷۷۹) مشهور بوده و بعدها از طرف دانشمندان دیگر جغرافیا نظیر ویدال ذولا بلاش<sup>۷</sup>، راتزل<sup>۸</sup> و متعاقبین آنها تعقیب شده به تکامل تاریخی و ارتباط مسائل تاریخی و انسانی اهمیت زیادی داده و در نتیجه جغرافیا را بعنوان علم صحنه‌های تاریخی شناخته‌اند. وظایف و هدفها نیز عبارت از بررسی سیر حوادث

4- A. Von. Humboldt

5- Kosmos

6- K. Ritter

7- V. delablache

8- F. Ratzel

تاریخی در شرایط طبیعی و اثرات آن در اجتماعات انسانی بوده است و این نظریه در جغرافیا همواره مورد مدافعه قرار گرفته است. با توجه به آنچه گفته شد، سرنوشت جغرافیا و دیدهای مختلف آن و ماهیت و تحقیقات و طرز برداشت از آن در هر کشوری وابسته به یکی از دو مکتب فوق بوده است. باین ترتیب مکتب همبالت که برای جغرافیای طبیعی اهمیت بیشتری قائل بوده در کشورهای شمالغربی و شمالی اروپا (آلمان، بلژیک، دانمارک، ایرلند، نروژ، هلند، فنلاند، سوئد و سوئیس آلمانی زبان) به دانشکده‌های علوم و همچنین در بعضی از نواحی آلمان و سوئیس آلمانی زبان به مدارس عالی فنی<sup>۹</sup> وابسته شده است. در این مراکز علمی مفهوم جغرافیا عبارت از تحقیقات و بررسی‌هایی بر اساس اندازه‌گیری و تحقیقات تحلیلی بوده و بخصوص به تربیت افراد محقق اهمیت فوق‌العاده‌ای داده شده است. در مقابل، در کشورهای لاتین نظیر (فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، و سوئیس فرانسه) که تحت تاثیر مکتب ریتر واقع شده‌اند جغرافیا در حوزه دانشکده‌های ادبیات و فلسفه جا گرفته و یک علم وابسته به تاریخ شناخته شده است. آموزش بیشتر بر اساس کنفرانس و تدریس کلاسی انجام گرفته و به تربیت مدرس بیش از محقق اهمیت داده شده است. در اینجا لازم است قبل از بحث در جغرافیای عصر حاضر عقاید دانشمندان مذکور بطور اختصار در باب جغرافیا بیان گردد.

عقاید الکساندر، فن، همبالت:

- ۱- طبیعت یک پارچه است و این پارچه از قسمتهای مختلف تشکیل شده و این شکل طبیعی دارای یک حالت زنده است. جغرافیا این شکل طبیعی زنده را با عناصر جاندار و بی‌جانش مورد مطالعه قرار می‌دهد.
- ۲- این شکل طبیعی و عناصر متشکل آن و روابط میان این عناصر

تولوژیک<sup>۱۰</sup> نبوده یعنی بر پایه‌های دینی قرار نگرفته بلکه دارای اساس علمیت می‌باشد.

۳- علوم طبیعی طبیعت و عناصر متشکل آنرا از نظر شکل، ساختمان به- صورتهای جداگانه مورد مطالعه قرار می‌دهد، در صورتیکه جغرافیا تمامی این عوامل طبیعی در یک منطقه و روابط آنها را با یکدیگر و خصوصیات این منطقه را بطور همه‌جانبه تحلیل و بررسی می‌کند.

۴- علم جغرافیا با توجه به وحدت کائنات، در جهت شناسائی مناطق مختلف عوامل سازنده و مربوط به مکان را در نظر گرفته، اولاً این عوامل را بصورتهای جداگانه مورد تحلیل قرار داده و نتایج حاصله را با همدیگر مقایسه می‌کند و ثانیاً با توجه به تمام عوامل موجود و مطالعات مربوطه خصوصیات یک منطقه را تعیین می‌کند، یعنی بدو اصل جغرافیای عمومی (سیستماتیک) و جغرافیای ناحیه‌ای (سنتر) توجه کامل کرده و جغرافیا را از نظر دید و یا موضوع مطالعه بدو قسمت تقسیم می‌کند:

الف- جغرافیای عمومی که بطور کروئولوژیک<sup>۱۱</sup> مسائل مربوط به مکان را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

ب- جغرافیای ناحیه‌ای که مسائل جغرافیای مربوط به یک ناحیه خاص را بطور ترکیبی مورد شناسائی قرار می‌دهد.

۵- در هر منطقه و اقلیم یک حالت ویژه طبیعی موجود است، در مطالعات جغرافیائی هر ناحیه باید ضمن تحقیق در مراحل مختلف و مطالعه طبیعت و عوامل وابسته بآن به مسئله تاریخ بشری و فرهنگ انسانی در آن ناحیه نیز توجه خاص بعمل آید.

عقاید کارل ریتز (۱۸۵۹-۱۷۷۹)

استنباطی که از عقاید این دانشمند سرشناس جغرافیا که کتاب معروف

10- Theologic

11 - Chronology علم گزارش و تنظیم وقایع بر حسب زمان

«جغرافیای اروپا» را نوشته در مورد ارتباط جغرافیا و تاریخ میتوان بعمل آورد عبارتند از:

- ۱- جغرافیای بدون تاریخ کالبد بدون روح است.
- ۲- تاریخ بدون جغرافیا بمانند انسان بی وطنی است که در چپ و راست حرکت میکند.
- ۳- جغرافیا صحنه تاریخ بوده و تاریخ موضوع نمایش این صحنه است. نظریات ریتر از طرف دانشمندان جغرافیا در سایر کشورها و خود آلمان مورد نقد و انتقاد قرار گرفته و اینک بعضی از نظریات مختلفی که در این باره ارائه شده دکر می گردد.
- یکی از کسانی که در مورد نظریات و عقاید ریتر بمطالعه پرداخته هتتر جغرافیدان متدیست آلمانی است. هتتر عقاید خود را درباره ریتر چنین بیان می کند.
- ۱- مؤسس جغرافیای علمی همبلیت بوده و به عقیده او ریتر سهم کمی در این مورد دارد.
- ۲- مطالعات ریتر بیشتر مربوط بمکان جغرافیائی نبوده و بلکه به بررسی تکامل و ملاحظات تاریخی استناد می کند و در نتیجه در آثار علمی ریتر وقایع جغرافیائی بفراموشی سپرده شده و تاریخ در درجه اول اهمیت قرار گرفته و بدین ترتیب جغرافیا اهمیت اولیه خود را ازدست داده است.
- ۳- ریتر عالمی است که مطالعات خود را در کتابخانهها انجام داده و بمشاهده در طبیعت پرداخته است.
- ۴- مشاهدات و بررسیهای جغرافیائی ریتر بر اساس علیت نبوده بلکه بر پایه تئولوژیک قرار داشته و بدین علت دنیا مرکز انسان بحساب آمده و در آنجا تاریخ از اول قرار داشته است. بعبارت دیگر در روش مطالعاتش يك نقش جبری حاکم است.

۵- در مطالعات ریتر تأثیر طبیعت در انسان مورد توجه قرار گرفته و بدین ترتیب دنیا يك اندام و انسان روح آنست و در نتیجه روابط انسان و طبیعت همانند رابطه بدن و روح انسانی است. بدین ترتیب هدف ریتر دریافت نتیجه نبوده بلکه اثرات طبیعت در انسان را مورد مطالعه قرار داده است.

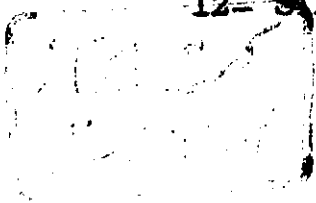
یکی از کسانی که در مورد آثار علمی ریتر مطالعات زیادی نموده ارینج<sup>۱۲</sup> دانشمند ترك می باشد. خلاصه نظر این دانشمند در مورد ریتر بشرح زیر است. ابراز نظر هتزر بر مطالعات جغرافیائی ریتر تقریباً نادرست است زیرا فرق میان همبست و ریتر زیاد نبوده و هر دو علیت، وضع مکان و روابط متقابل جغرافیائی را قبول دارند. ولی وجوه تمایز این دو در مسائل مشروح زیر می باشد:

الف- از نظر ریتر اساس جغرافیا مطالعه انسان بوده ولی از نظر همبست انسان یکی از موجودات روی زمین است.

ب- از نظر روش هر دو عالم مطالعات جغرافیای ناحیه ای را قبول دارند، فقط بعقیده همبست باید مسائل جغرافیائی بطور سیستماتیک مورد مطالعه قرار گیرد در صورتیکه بزعم ریتر این مسائل باید از لحاظ اکولوژی بررسی شود و در نتیجه ریتر جغرافیای سیستماتیک را بنراهوشی سپرده است.

ج- ریتر در مطالعات جغرافیائی تکیه بر اهمیت مسائل تاریخی داشته و در نتیجه دارای دید جبردینی است در صورتیکه همبست بر جبر مادی در نظام مطالعات جغرافیائی معتقد بوده است.

د- تأثیر ریتر بر جغرافی دانان بعد از او فوق العاده زیاد بوده زیرا ریتر از نظر روش و ماهیت علم جغرافیا آثار و نوشته هائی از خود بیادگار گذاشته است در صورتیکه مسائل جغرافیائی را که همبست مورد مطالعه قرار داده باید از خلال نوشته های پراکنده او پیدا کرد.



اینک پس از این شرح کوتاه در مورد دو عالم بزرگ جغرافیا به توضیح عقاید و نظراتی که در دوره بعد از کلاسیک (۱۹۴۵-۱۸۵۹) ابزاری شده می پردازد.

### جغرافیا در دوره بعد از کلاسیک:

بعد از همبلت و ریتر دو مکتب خاص جغرافیائی بنام این دو عالم بوجود آمد که پیروان هر کدام در پیشبرد عقاید مؤسس اقدامات و تالیفات ارزنده ای بر جای گذاردند و خدمات ارزنده ای بجغرافیای علمی نمودند.

در این میان از پیروان مکتب ریتر بترتیب رکلووس<sup>۱۳</sup> اهل فرانسه و دانشجوی ریتر فردریک راتزل<sup>۱۴</sup> اهل آلمان، ویدال دو لابلانش<sup>۱۵</sup> مؤسس جغرافیای علمی در فرانسه برونه<sup>۱۶</sup> اهل فرانسه، دمانژون<sup>۱۷</sup> فرانسوی، سمپل<sup>۱۸</sup> آمریکائی، هانتینگتون<sup>۱۹</sup> آمریکائی، لاتره<sup>۲۰</sup> فرانسوی، ماکس سور<sup>۲۱</sup> فرانسوی و مکیندر<sup>۲۲</sup> - انگلیسی و بروکس<sup>۲۳</sup> را میتوان نام برد. در میان علمای ذکر شده در فوق را - تزل بیش از همه در زمینه جغرافیای ناحیه ای و انسانی کار کرده و در دنیا معروف به مؤسس جغرافیای انسانی است. راتزل در مطالعات خود در صحنه جغرافیای انسانی تمام مشاهدات خود را ارگانیزه کرده و اثر شرایط طبیعی را در اجتماعات

13- E. Reclus

14- Ratzel

15- V. delablache

16- J. Brunhes

17- A. demangeon

18- E. Semple

19- E. Huntington

20- Laterre

21- M. Sorre

22- Mackinder

23- Brooks



انسانی مورد مطالعه قرار داده است. و در عین حال اثرات متقابل انسان و طبیعت را نیز فراموش نکرده است. راتزل به مسائل و دید تاریخی اهمیت داده و در نتیجه دارای دید محیطی بوده و در ضمن راتزل موسس جغرافیای سیاسی نیز بوده و تالیفات و آثار او بیشتر در مورد جغرافیای سیاسی، جغرافیای حمل و نقل و جغرافیای دولتها است.

مهمترین اثر علمی راتزل عبارت از جغرافیای مردم شناسی<sup>۲۴</sup> است؛ شامل دو جلد؛ جلد اول در مورد طبیعت و جلد دوم در باب طبیعت و اثرات آن در روی انسان. راتزل در همین اثر خود اثرات محیط را در جامعه شناسی انسانها و پیشرفت و عقب ماندگی اجتماعات انسانی و اثرات محیط در روح انسان بطور جداگانه مورد مطالعه قرار داده است.

از پیروان مکتب همبالت نیز میتوان بترتیب دانشمندان مشروح در زیر ریشتهوفن<sup>۲۵</sup> آلمانی، پنک<sup>۲۶</sup> آلمانی، ژیلبرت<sup>۲۷</sup>، پاول<sup>۲۸</sup>، بروکنر<sup>۲۹</sup> آمریکائی را نام برد بعد از پاول این مکتب بدو شاخه فرعی تقسیم میشود که رهبری گروهی را دیویس<sup>۳۰</sup> و گروه دیگر را فیلیپسون<sup>۳۱</sup> آمریکائی بعهده می-گیرند. از پیروان گروه اول بترتیب بولی<sup>۳۲</sup>، دمارتن<sup>۳۳</sup>، جانسون<sup>۳۴</sup> را میتوان نام

24- Anthropogeographie

25- F. V. Richtshofen

26- A. Penck

27- Gilbert

28- Powell

29- Bruckner

30- M. Davis

31- A. phillipson

32- Baulig

33- de Martonne

34- Jhonson

برد. در مطالعات این گروه تفکر قبلی و اندیشه‌های شخصی آنها بر مشاهدات واقعی در طبیعت غلبه داشته است

گروه دوم که دانشمندانی نظیر پاسارژ<sup>۳۵</sup>، هتنر<sup>۳۶</sup>، کایو<sup>۳۷</sup>، تریکار<sup>۳۸</sup>، بیرو<sup>۳۹</sup> را در بر می‌گیرد بمشاهده در طبیعت اهمیت داده و وقایع طبیعی را با دید بسیار باز و وسعت نظر مورد مطالعه قرار داده‌اند. بعد از هملت، ریشتوفن بتاسیس مکتب جغرافیای طبیعی پرداخته، این شخص آلمانی وزمین‌شناس بوده و اساس کارش را مطالعه پیکره‌شناسی زمین<sup>۴۰</sup> تشکیل داده است. بعقیده او جغرافیا روابط علت و معلول را بطور متقابل در روی زمین مورد مطالعه قرار داده و با بررسی در مکانهای مختلف موفق به کشف اختلاف اثرات عوامل جغرافیائی می‌گردد. و به عقیده او علم جغرافیا دنیا را بمنزله يك واحد جغرافیائی در نظر می‌گیرد. بعد از این عالم نظرات پاول بخصوص در علم پیکره‌شناسی زمین قابل توجه است. قوانین و نظراتی از قبیل سطح قاعده اساسی، طبیعت فرسایش، طبقه‌بندی اشکال اراضی، ناهمواریها و روابط اقلیم و پیکره‌شناسی زمین و مکانیزم پیشینه‌رود<sup>۴۱</sup> و تئوری تحلیل دامنه‌ها را این دانشمند برای نخستین بار عرضه داشته و بعد از اونیز ژیلبرت با ارائه نظرات و قوانین چند در پیکره‌شناسی زمین به پیشرفت این علم کمک کرده است.

اساس نظرات و قوانین پاول از طرف دیویس و ثلیپسون تعقیب شده است و هر کدام از این دو بطوریکه در بالا اشاره شد واضح يك مکتب فرعی

35- S. passarge

36- A. Hettner

37- A. cailleux

38- J. tricart

39- P. Birot

40- Geomorphology

41- Antecedent

خاص بوده‌اند.

### افکار و خدمات دیویس<sup>۴۲</sup>

این عالم شهیر اهل امریکا بوده و بسال ۱۸۶۹ از دانشگاه هاروارد موفق باخذ درجه مهندسی شده سپس مدتی را در کلرادو روی زمین کار کرده و بعد از آن از سال ۱۸۷۶ چندی در هواشناسی آرژانتین بکار پرداخته و از سال ۱۸۸۵ نیز مدتی بسمت دانشیار جغرافیای طبیعی دانشگاه هاروارد مشغول بکار بوده است. بعدها شهرت او در جغرافیا عالم گیر شده و در کشورهای اروپائی بخصوص آلمان در مورد پیکره‌شناسی زمین کنفرانسهائی ترتیب داده است: از خدمات ارزنده او بعالم جغرافیا نکاتی چند را بشرح زیر میتوان نام برد.

تنظیم مجموعه لغات و مصطلحات<sup>۴۳</sup> جغرافیائی و بیان قوانین مهم برای فرسایش. به عقیده دیویس فرسایش در نتیجه آبهای روان مراحل مختلفی را طی کرده و مانند حیات انسانی از مراحل فرسایشی مختلف گذشته و تکامل حاصل می‌کنند و ضمناً به عقیده او ظهور اشکال روی زمین نتیجه و حاصل سه اصل مهم (زمان، شکل زمین و عوامل فرسایش) بوده و در روی صخره‌ها و سنگ‌ها فرسایش نهائی، سطح قاعده اساسی<sup>۴۴</sup> می‌باشد. به عقیده او فرسایش با شرایط اقلیمی هر ناحیه ارتباط نزدیک دارد.

قبل از دیویس ژیلبرت (۱۸۴۳-۱۹۱۸) قوانینی در پیکره‌شناسی زمین از خود برجای نهاده بود که بعداً مورد استفاده بسیاری از علمای این علم قرار گرفته و عقاید او بنام قوانین ژیلبرت در پیکره‌شناسی زمین معروف است.

اینک پس از بیان مقدمه‌ای کوتاه در مورد بزرگان دوران «کلاسیک» و بعد از «کلاسیک» لازم است که از جغرافی دانانیکه علم جغرافیا را بصورت یک

42- W. M. Davis

43- Terminology

44- Peneplain

علم روشی در آورده و پایه‌های اساسی جغرافیای جدید را پایه‌گذاری کردند نام برد. که در این میان میتوان از والو<sup>۴۵</sup> فرانسوی هتتر آلمانی و ریچارد هارت-ثورن<sup>۴۶</sup> آمریکائی نام برد.

### عقاید اساسی آلفرد هتتر:

۱- بعقیده هتتر جغرافیا را نمیتوان تنها بعنوان يك علم اراضی قبول نمود زیرا جغرافیا با وجود توجه به سیستم مطالعاتی «کورولوژیک»<sup>۴۷</sup> هدف نهائیش تنها تحقیق عوامل مختلف و یا اجسام مختلف روی زمین نیست. بلکه جغرافیا يك علم یکپارچه بوده و بدین لحاظ در تحقیقات جغرافیائی طبیعت و انسان در شرایط مساوی قرار گرفته و اهمیت و اثرات متقابل هر دو مطالعه می‌شود و اصولاً برای از بین بردن دوگانگی باید چنین روشی را در پیش گرفت.

۲- جغرافیا علمی است که اثرات مراحل تحول عوامل طبیعی را در عوامل جامعه‌شناسی مطالعه می‌کند. و علمی است که بر اساس روشهای بوم‌شناسی به‌دفعه اصلیش که مطالعه مکانهای مختلف روی زمین است می‌پردازد.

۳- هتتر ضمن بحث در موارد مختلف، به جغرافیای علمی پرداخته و به عقیده او وظیفه اولیه يك جغرافی‌دان عبارت است از اهمیت دادن به مسائل «وطن مادری» است و بدین جهت سه اصل را در مورد آلمان پیشنهاد نموده است.

۱- استفاده از خاک<sup>۴۸</sup> و تنسيق<sup>۴۹</sup> اراضی

45- C. Vallaus

46- R. Hartshorne

47- Chorology مطالعه علمی وسعت جغرافیائی و یا محدوده‌های هر چیزی

48- Landuse

49- Amanagement

۲- توجه بآلسانیهای خارج از مرز آلمان در سایر کشورها.

۳- اصلاح اقتصاد بازرگانی خارجی.

### خلاصه عقاید ریچارد هارت ثورن

بعضی از عقاید هارت ثورن جغرافیدان معروف و معاصر امریکائی که از بنیانگذاران جغرافیای جدید بشمار می رود و بانوشتن کتاب معروف خود «طبیعت جغرافیا»<sup>۵۰</sup> انقلابی در فلسفه جغرافیا بوجود آورده بشرح زیر است:

۱- جغرافیا يك علم تجربی بوده و از يك مشاهده بمشاهده دیگر می رود و از مشاهدات مختلف به نتیجه می رسد.

۲- معلومات بدست آمده در جغرافیا را باید بر اساس «کورولوژیک» مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

۳- از وظایف اولیه جغرافیا بررسی ارتباط میان عوامل و خصوصیات يك منطقه می باشد و در این طرز مطالعه اساس کار برعلیت تکیه می کند و در نتیجه خصوصیات جغرافیائی يك منطقه بطور کامل و ترکیبی مورد مطالعه قرار می گیرد.

۴- کره زمین متشکل از مکان های مختلف طبیعی است. وظیفه جغرافیا مطالعه و تحقیق این مکانهای طبیعی است.

**جغرافیا در عصر حاضر:** جغرافیای جدید با جغرافیای کلاسیک و بعد از کلاسیک از بسیاری جهات و جوه امتیازی دارد از این جهت با بررسی هر کدام در يك دوره و شناخت هدفهای آن اختلاف اساسی مفاهیم این دوره ها بطور وضوح روشن می گردد.

جغرافیا و نقش آن در اجتماعات انسانی و گذر از يك حالت بی حرکت به يك علم فعال و جغرافیای کاربرد و اهمیت های دیگر جغرافیای انتقاعی و تربیت

کادر آموزشی و پژوهشی و تحقیقات و بررسیهای لازم در جهت انجام مراحل فوق از موضوعاتی است که هدفهای جغرافیای جدید را تشکیل می‌دهد. این مسائل دوره جغرافیای جدید را از دوران کلاسیک و بعد از کلاسیک مشخص می‌نماید.

جغرافیای عصر حاضر با وجود پیوندهای عمیق خود با جغرافیای کلاسیک و بعد از کلاسیک بعثت فشار شدید احتیاجات حاصله از بعد از جنگ جهانی دوم هدفها و روش‌های خود را در سطح کلی و عمومی تغییر داده و از یک علم آموزشی بصورت علمی در خدمت پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی درآمده است، و حتی تعریفی که امروزه از این علم بیان می‌گردد با تعاریفی که سابقا بیان شده از لحاظ مفهوم و معنی و توانائی بررسی و وظایفش فرق می‌کند.

امروزه جغرافیا تمیز و شناخت شرایط مکانی موجود در روی زمین، و فعالیت‌های بشری در این مکانها و روابط آنها با شرایط محیط و نتایج حاصله از این امر برای استفاده اجتماعات انسانی بشمار می‌رود.

بنابراین تعریف جغرافیا از یک طرف دارای طرق بررسی منظم علمی و تجلیلی و ناحیه‌ای بوده و از طرف دیگر در جغرافیای عمومی رشته‌های اختصاصی جغرافیای طبیعی و انسانی موجود است، به عبارت دیگر این امر علاوه بر پیش برد هدفهای اجتماعی در موضوعات جغرافیای کاربردی سایر موضوعات جغرافیائی را نیز در برمی‌گیرد. در این میان نتایج حاصله از جغرافیای کاربرد و کاربردهای جغرافیائی به جغرافیای جدید خصوصیات ممتازی داده است زیرا با توجه به- تعریف فوق تنسيق، برنامه‌ریزی منطقه‌ای و روش‌های توسعه، تحلیل منابع طبیعی و ارزشیابی آن، پیش‌گیری از آفات طبیعی، تثبیت و تعیین بهترین گذر- گاههای مساعد جهت راههای شوسه، تعیین جای صنایع، برنامه‌ریزی اسکان، تحقیقات بازاریابی، تثبیت امکانات بالقوه مناطق مختلف، کوچهای داخلی و خارجی. و بسیاری از موارد مشابه فوق در حیطه جغرافیای کاربرد قرار می‌گیرد.

زیرا شرایط طبیعی و انسانی شامل تعریف يك محیط زیست بوده و جغرافیای نوباکوششهای کاربردی باین اصول وابسته می‌باشد.

در جهان امروز حدود کوششهای توسعه و پیشرفت جهت مقابله با ازدیاد جمعیت، بررسی منابع محیط زیست و بررسیهای پیشرفت اجتماعی در داخل محیط زیست، مناسبات ترکیبی منابع محیط زیست، و شناخت مسائل منطقه‌ای و مشکلات آن، تثبیت ظرفیت و امکانات توسعه جهت رفاه اجتماعی لازم و ضروری بنظر می‌رسد.

تمام این مسائل با تعریفی که از جغرافیای نو بعمل آمده با وجود بررسیهای مختلفی که از طرف سایر شعبات علوم بعمل می‌آید در چارچوب تحلیل‌های جغرافیائی قرار گرفته و مورد بررسی قرار می‌گیرد. کوششهای مفید در جغرافیای کاربرد و اثرات حاصله از آن و همچنین کوتاهی در این مسائل ضررها و نتایج منفی را حاصل می‌کند.

با توجه بموارد یادشده خصوصیات جغرافیای جدید با خدمات ذیقیمتی که قادر است در پیشبرد هدفهای اقتصادی و انسانی و اجتماعی يك مملکت انجام دهد روشن می‌گردد از اینجهت است که برای دانش‌آموختگان جغرافیا در اکثر ممالک پیشرفته امکانات فراوانی در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی فراهم آمده است برای مثال در انگلستان دانش‌آموختگان جغرافیا در وزارت-خانه‌های کشاورزی، کار، امور خارجه، تجارت و در ایالات متحده امریکا علاوه بر موارد یادشده در شرکتهای خصوصی بزرگ جهت بازاریابی، جایگزینی و ارتباطات کار می‌کنند. همچنین بیش از ۳۳٪ دانش‌آموختگان جغرافیا در دانشگاههای لهستان، در مسائل فنی (زمین‌شناسی، آب‌شناسی، هواشناسی و کارتوگرافی) و بیش از ۱۱٪ در برنامه‌ریزی اقتصادی و بیش از ۶٪ در موسسات تحقیقی مشغول کارند از این میان تنها ۲۵٪ دانش‌آموختگان که اکثریت آنها را زنان تشکیل میدهد در موسسات آموزشی مشغول بکار هستند.

**آموزش، تحقیقات و تشکیلات :** امروزه در جغرافیای جدید تغییرات زیادی از لحاظ فن آموزش و تشکیلات بعمل آمده است و مفهوم علم جغرافیا بطور کلی عوض شده و از حالت قبلی خود که تربیت افراد آموزشی بوده خارج شده و بعنوان يك علم پژوهشی مسائل طبیعی و اجتماعی و اقتصادی شناخته شده است. و در نتیجه از تعداد گروههای مجتمع و درسهای کنفرانسی کم شده و در عوض بعضی گروههای كوچك تحقیقاتی بصورت تحلیلهای لابراتواری، آزمایش-ها، تفسیر عکسهای هوایی جهت هدفهای مختلف در صحنه علم جغرافیای جلوه گر شده است. در نتیجه تشکیل سمینارهای مختلف علمی و تحقیقی، تنسيق اراضی و استفاده از خاک، حفظ منابع طبیعی، مسائل اولیه جغرافیای جدید را تشکیل می دهند.

جغرافیا در جهت پیشبرد هدفها و وظایف جدید در جهت انطباق و همگانی با تکنولوژی عصر حاضر تشکیلات و ساختمان خود را در بسیاری از کشورهای جهان بنحو چشمگیری در جهت تکامل تغییر داده است. مثالهای چند در کشور-های مختلف شاهد این امر تواند بود. یکی از تاسیسات جدید جغرافیا وابسته بدانشگاه هول<sup>۱۵</sup> می باشد. بخش جغرافیای این دانشگاه از دستگاه مرکز حساب الکترونیک استفاده نموده و شامل يك لابراتوار مجهز خاک که در يك حوزه كوچك ایجاد شده می باشد این بخش جغرافیائی قادر به تحویل دانه سنجی (گرانولومتریك) خاک بوده و در عین حال صاحب يك ایستگاه مجهز هیدرو-کلیماتولوژی است این بخش جغرافیائی ضمن تحقیقات علمی در مسائل پیکره شناسی زمین، هیدرو کلیماتولوژی، برای مناطق مختلف دنیا آنالیزهای منطقه ای و تحقیقات جغرافیای انسانی و پروژه های مختلف را انجام می دهد. يك مرکز مهم دیگر تحقیقات جغرافیائی مرکز جغرافیای کاربرد دانشگاه استراسبورگ می باشد این بخش ضمن مختاریت خود در داخل دانشگاه با مرکز تحقیقات



علمی فرانسه (C N R S.) در حال تماس دائم بوده و از سه قسمت خدمات عمومی، حفظ منابع طبیعی و آمانزمان منطقه‌ای و قسمت‌های توسعه تشکیل می‌گردد. قسمت خدمات عمومی شامل کتابخانه، کارتوتک، فوتوتک، آمار و تفسیر عکسهای هوایی جهت تهیه نقشه‌های مختلف و دارای يك لابراتوار مجهز کار- توگرافی است. قسمت منابع طبیعی شامل بخشهای پیکره‌شناسی زمین، کواترنر، آب‌شناسی، اقلیم‌شناسی و دولابراتوار مجهز رسوب‌شناسی و مکانیک زمین بوده و دارای دستگاههای مجهز اندازه‌گیری در موضوعات آب‌شناسی، اقلیم- شناسی و هواشناسی است. در قسمت سوم تحقیقات مسائل منطقه‌ای و ناحیه‌ای، مسائل مناطق خشک و مناطق گرم انجام می‌گردد.

از مراکز بسیار مهم جغرافیائی مرکز مطالعات بین‌المللی پیکره‌شناسی زمین فرانسه بوده و در سال ۱۹۶۴ در يك بنای سه هزار متری تاسیس و شروع بفعالیت نموده است تحقیقات پیکره‌شناسی زمین سایر بخشهای مختلف جغرافیائی که خارج از ظرفیت لابراتوارهایشان می‌شود در این مرکز انجام می‌گیرد. دو لابراتوار مجهز این مرکز هرگونه آزمایش دانه‌سنجی<sup>۵۲</sup> و تحلیل آن جهت کارهای لازم و بررسیهای لازم در کانیهای خاک با اشعه x و آزمایش با متد حرارتی و تثبیت کانیهای سنگین جهت بررسیهای لازم پیکره‌شناسی زمین را انجام می‌دهد.

بعنوان مثال آخر از موسسه جدید جغرافیای دانشگاه کپنهاک میشود یاد کرد. این مؤسسه در سال ۱۹۶۷ تجدید سازمان یافته و مدت تحصیل جهت اخذ درجه لیسانس را به ۵ سال افزایش داده است. این مؤسسه وابسته بدانسکده علوم و در يك بنای چهار هزار متری متشکل از شش طبقه ایجاد شده و شامل لابراتوارهای خاک، رسوب‌شناسی، فتوگرامتری و تفسیر عکسهای هوایی بوده و دارای يك ایستگاه مجهز هواشناسی است. این مؤسسه با سازمان-

های مختلف دولتی نظیر وزارت کشاورزی، حفظ ساحل، وزارت خارجه (در حدود برنامه های کمک به ممالک کم رشد) و تشکیلات دولتی مهندسی آب شناسی همکاری نزدیک و ارتباط دائم دارد. دانشجویان این موسسه وظیفه دارند که کارآموزی های مختلف را بمدت معینی در موضوعات فتوگرامتری، تهیه نقشه و استفاده از اراضی و موضوعات هواشناسی و اقلیم شناسی بانجام رسانند.

با توجه به مثالهای یاد شده که نظایر آن را در بسیاری از ممالک مرفقی دنیا میتوان ذکر کرد جغرافیای امروزی با جغرافیای قبل از جنگ جهانی دوم چه از لحاظ هدف و روش های تحقیق و چه ترکیب آن فرق زیادی نموده و بصورت علمی برای پیشرفتهای اجتماعی و مسائل مربوطه درآمده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* این مقاله با استفاده از یادداشتها و سمینارهای درسی دوران تحصیل تهیه و تنظیم شده است. علاقمندان با اطلاعات بیشتر به اثرات مندرج در فهرست کتابنامه مراجعه فرمایند